

Examining the status of consultation with women in the Qur'an and hadiths with emphasis on the interpretations of contemporary commentators

(Al-Manar - in the shadow of the Qur'an - Al-Mizan - Tasnim)

(Received: 05/04/2021 - Accepted: 27/11/2021)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2021.6.1.5.7>

Zahra Dayani Dardashti¹

Abstract

Consultation in the religion of Islam and the biography of the Imams (as) is of special importance. The Holy Qur'an advises Muslims to consult in personal, family and social affairs, and considers consulting as one of the prominent characteristics of Muslims, and warns them against the tyranny of opinion. In this article, the dimensions of consultation in the Qur'an and the narrations of the Infallibles (AS) from the point of view of contemporary commentators of the two sects (Rashid Reza in Al-Manar and Sayyid Qutb in Fi Zelal Al-Quran from contemporary Sunni commentators and Allameh Tabatabai in Al-Mizan) It is studied by descriptive-analytical and comparative methods and deals with the position of consultation in Islam and examines the narrations forbidding consultation with women. In this regard, it has been concluded that from both points of view in Islam, consultation with women, like men, is approved if they have the opinion, experience and piety in the matters being consulted, and the narrations forbidding consultation are not absolute and special cases. And the order to consult does not include items that have a text and ruling in the Qur'an.

Keywords: Consultation with women - Quran - Narrations - Interpretations of contemporary Shiite and Sunni commentators

1. PhD student, Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Yadegar Imam (RA) Shahrari, Tehran, Iran. bahmanm9840@gmail.com.



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی جایگاه مشورت با زنان در قرآن و روایات با تأکید بر تفاسیر مفسران معاصر فریقین

(المنار- فی ظلال القرآن- المیزان- تسنیم)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2021.6.1.5.7>

زهرا دینانی دردشتی^۱

چکیده

مشورت در دین اسلام و سیره‌ی ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن کریم، مسلمانان را به مشورت در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی توصیه می‌کند و مشورت کردن را یکی از خصوصیات بارز مسلمین دانسته و آن‌ها را از استبداد رأی بر حذر می‌دارد. در این نوشتار، ابعاد و جایگاه مشورت در قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، و همچنین روایات منع مشورت با زنان از دیدگاه مفسران معاصر فریقین (رشیدرضا در المنار و سیدقطب در فی ظلال القرآن از مفسران معاصر اهل تسنن و علامه طباطبایی در المیزان و آیت‌الله جوادی آملی در تسنیم از مفسران معاصر شیعه) با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. از رهگذر این بررسی تطبیقی، این نتایج به دست آمده است که از دیدگاه مفسران فریقین، در اسلام مشورت با زنان همچون مردان، در صورتی که صاحب رأی، تجربه و تقوا در امور مورد مشورت باشند، مورد تأیید است و روایات منع مشورت، مطلق نبوده و موارد خاصی را در بر می‌گیرد و امر به مشورت، شامل مواردی که دارای نص و حکمی در قرآن است، نمی‌باشد.

کلید واژه‌ها: مشورت، زنان، قرآن، روایات، تفاسیر معاصر، فریقین

دانشنامه علمی مطالعات قرآنی و حدیثی

سال ششم

شماره اول

پیاپی: ۱۱

بهار و تابستان

۱۴۰۰

۱. دانش‌آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام (ره) شهرری، تهران، ایران.

bahmanm9840@gmail.com



اصل شورا و مشورت، یکی از بزرگ‌ترین دستورات اجتماعی اسلام است. در سیره‌ی پیامبر اکرم (ﷺ) و پیشوایان بزرگ اسلام، دارای اهمیت بالایی است و یکی از اصول اصلی مدیریت و اداره‌ی امور جامعه به شمار می‌رود که در تحکیم روابط اجتماعی نقش بسزایی دارد. اسلام بر مشورت کردن در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید فراوانی دارد و آن را در شمار فضایل اخلاقی قرار داده است. وجود سوره‌ای در قرآن به نام «الشوری» نیز بر این امر صحنه می‌گذارد. این امر مهم و حیاتی، معیارهایی دارد که رعایت آن‌ها، آدمی را در تصمیم‌گیری‌ها، از خطا و لغزش مصون می‌دارد و تلاش وی را در دفع ضرر و جلب منفعت و مصالح عمومی به نتیجه می‌رساند. از این رو، کسی از مشورت‌جویی، نظرخواهی و بهره‌گیری از آراء، افکار و تجارب مشاوران متعهد و متخصص بی‌نیاز نیست.

علاوه بر آیات صریح قرآن کریم در باره‌ی شورا و مشورت و ترغیب به آن، در تعالیم پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) بدین مهم از زوایای گوناگون پرداخته شده و از اصول و آداب و شرایط آن سخن رفته است. با توجه به آیاتی که به موضوع شور و مشورت اشاره دارد، به‌خوبی می‌توان جلوه‌های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و نظامی آن را ملاحظه کرد و به نقش سازنده و سودمندش در اجرای امور واقف شد. این همه توجه و اهتمام به شورا، دلالت بر آن دارد که اسلام، نه تنها به در بند کشیدن اندیشه‌ها در محدوده‌ی خاص - چه حزبی و چه مکتبی - فرا نمی‌خواند، بلکه بر آزاداندیشی و استماع آرای گوناگون و پیروی از نیکوترین آن‌ها تأکید می‌ورزد: «بَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ وَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/ ۱۸) و بر این اساس، انسان را از خود رأیی و تک‌روی بر حذر می‌دارد. در واقع مشورت، موهبتی الهی است که استعدادها را شکوفا، ذهن‌ها را نیرومند و اندیشه‌ها را بارور می‌سازد. سطح درکه دریافت و فراگیری را ارتقا می‌بخشد و زمینه‌ی نظارت عمومی را در امور جامعه فراهم می‌آورد و به انسان‌ها امکان می‌دهد که در قبال مسائل اجتماعی که در آن به سر می‌برند، احساس مسئولیت کنند. از آنجا که مشورت و هم‌اندیشی، آدمی را به خود متکی می‌سازد و از داشتن امکانات و مقدرات سازنده، آگاه می‌کند و او را به اصل تفاهم و ایجاد هماهنگی در زندگی واقف می‌گرداند، می‌توان به شایستگی وی در برخورداری از حیات مستند به عقل و شعور پی برد. (ر.ک: میرزاحمّد، ۱۳۸۹)

برغم اهتمام دین مبین اسلام به امر مشورت، لیکن در بعضی از روایات، مشاهده می‌گردد که از مشورت با زنان نهی شده است. حال این سؤال مطرح است که آیا نهی این روایات از مشورت با زنان به نحو مطلق است یا مقید؟ و این‌که واژه امر در «شاورهم فی الامر»، در این آیات به چه اموری اطلاق می‌شود؟ در این خصوص، تحقیقات فراوانی انجام گرفته است.

این مقاله مشورت با زنان را از منظر قرآن و روایات، با توجه به دیدگاه مفسران معاصر فریقین در ذیل آیات مربوط به شورا بررسی می‌نماید و به روایات منع مشورت با زنان می‌پردازد. پژوهش حاضر با رویکردی نو و با نگاه تطبیقی، با بهره‌گیری از تفاسیر مفسران معاصر فریقین، مسأله‌ی مورد نظر را بررسی کرده و ذیل آیات مورد بحث، به بیان اشتراکات و افتراقات دیدگاه آنان در زمینه‌ی مشورت با زنان می‌پردازد. انتخاب این تفاسیر برای بررسی، به این جهت است که تفاسیر مورد نظر صبغه تربیتی، اجتماعی و هدایتی دارد؛ به‌ویژه بخش‌هایی که مربوط به محمد عبده در المنار است و در زمره‌ی تفسیرهای اصلاحی است که به مسائل زمان و پرسش‌های برون دینی در باره‌ی اسلام و قرآن و از جمله به نظام‌مندی معارف و آموزه‌های قرآنی با فطرت و طبیعت انسانی و به برنامه زندگی مسلمانان توجه داشته و شبهاتی که در قرن بیستم در اثر برخورد فرهنگ غرب با جوامع اسلامی در میان روشنفکران مسلمان به وجود آمده را پاسخ داده است. تفسیر فی ظلال القرآن، نیز در بین اهل تسنن دارای جایگاه مطلوبی است. میزان یکی از مهم‌ترین تفاسیر قرون اخیر در بین مسلمانان و بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری بعد از تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی به شمار می‌رود. مفسر تفسیر تسنیم نیز یکی از شاگردان علامه طباطبایی بوده که تفسیرش از تفاسیر مهم در زمان حاضر بوده و در زمان شکوفایی انقلاب اسلامی، پاسخگوی بسیاری از شبهات در عصر حاضر است.

پیشینه تحقیق

در مورد مشورت و شوری، تحقیقات متعددی انجام گرفته است. از جمله به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- ربیعان، معصومه (۱۳۹۸)، «نقد روایات مشورت با زنان در تفاسیر روایی (با تأکید بر تاریخ ظهور روایات)»، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال سوم، شماره چهارم، ص ۹۵-۱۱۴.

۲- مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت با رویکرد سیاسی و حقوقی، ج ۲، مؤسسه آینده روشن، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع).

۳- علیزاده، قدسی (۱۳۹۰)، «جایگاه و ابعاد مشورت در سیره‌ی عملی امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی- پژوهشی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۱، زمستان ۹۰، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی اسلامی، دانشگاه شاهد.

۴- مصطفی پور، محمدرضا (۱۳۸۴)، «قلمرو شورا در منابع اسلامی»، گنجینه معرفت، شماره ۲۲.

۱. مفهوم‌شناسی واژه‌ی شورا

شورا در لغت، از کلمه شور می‌آید و در لغت به معنی مشورت، رایزنی، چاره‌جویی، اندیشه کردن، تبادل فکر و نظر، شور و کنکاش است. در کتاب‌های لغت؛ شور، مشورت، شورا، مشاوره و تشاور، به معنای بیرون کشیدن، برداشتن و استخراج کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۹۹/۲) همچنین به معنی استخراج عسل از کندو و عرضه کردن یا نشان دادن چیز نفیسی است که پوشیده و پنهان باشد. (ابن منظور، ۱۴۳۵: ۲۳۳/۷)

شورا در اصطلاح، هیأتی است که برای مشورت کردن در باب موضوعی گرد یکدیگر جمع شوند و به نظری متفق و نتیجه‌ای معقول دست یابند. (معین، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۸۷) در اصطلاح اسلامی برگرفته شده از آیه‌ی قرآن «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» است و سوره‌ای در قرآن نیز به نام «الشورى» وجود دارد. همچنین در اصطلاح، به معنای تعاطی افکار، تضارب آراء، به دست آوردن رأی و نظر دیگران با مراجعه به آنان و نیز کشف و استنباط آرای اهل درک و دقت است. (قرشی، ۱۳۵۲: ۸۷/۴) اگرچه از نظر لغت و اصطلاح، شورا و مشورت به یک معنا به کار رفته‌اند، باید در مفهوم آن دو، تفکیک قائل شد. توفیق الشاوی، در این باره می‌گوید: واژه‌ی شورا، نشان‌دهنده‌ی دو مفهوم است: یکی عام و دیگری خاص. مفهوم عام شورا، هرگونه هم‌فکری و تبادل نظر را در بر می‌گیرد، هرچند فاقد جنبه الزامی باشد، [ولی] مفهوم محدود شورا، نشانه‌ی پیمان الزامی است که از سوی مجموعه‌ای از افراد [جمع منتخب] صادر می‌شود و نظر اکثریت معتبر است. (بافکار، ۱۳۸۳: ۲۴)

۲. جایگاه شورا در قرآن

مشورت به معنای بهره‌مندی از عقول و تجربیات دیگران است؛ زیرا هر کسی در زندگی با توجه به تجربیات علمی و عملی نسبت به اموری به رشد رسیده است که دیگری شاید در گام اول این راه باشد. از همین رو، در آیات بر مشورت و مشاوره تأکید شده است. قرآن کریم مسلمانان را به مشورت در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی توصیه می‌کند و مشورت کردن را یکی از خصوصیات بارز مسلمانان دانسته و آن‌ها را از خودرأی بودن، به دور می‌دارد.

۲-۱. امر به پیامبر (ﷺ) در مورد مشورت با مردم

به سبب اهمیت مشارکت دادن مردم در امور اجتماعی، خداوند در قرآن کریم پیامبرش را به مشورت کردن با مسلمانان، توصیه می‌کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)؛ از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشت‌خوی و سنگ‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت

و رایزنی کن و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی بر خدا توکل کن؛ چراکه خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد.

رشیدرضا در تفسیر المنار می‌نویسد: آیه به یکی از مهم‌ترین قوانین جامعه‌ی اسلامی؛ یعنی مسأله‌ی مشورت اشاره می‌نماید. خداوند ابتدا به سرزنش مسلمین به خاطر نافرمانی و اشتباهاتشان می‌پردازد. در این میان نیز پیامبر را برای آن‌ها نعمت می‌خواند. در ادامه به پیامبر می‌فرماید: نرم‌خویی و مهربانی اوست که سبب شده، مسلمین از گردش پراکنده نشوند و کنارش بمانند، پس باید از اشتباهات آن‌ها در گذشته و همچنان با آن‌ها مهربانی پیشه کند و در امور با آن‌ها مشورت کند (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۴/ ۱۹۸). سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن بیان می‌دارد: در این آیه، اصل نظامی را خواهیم یافت که زندگی اجتماعی اسلامی بر آن استوار می‌گردد. این اصل، شوری است که جنگ زدن بدان در جایی دستور داده می‌شود که در ظاهر امر، شوری نتایج تلخی را به بار آورده است؛ روند گفتار در اینجا به رسول خدا (ﷺ) رو می‌کند که از پیروان خود چیزی به دل ندارد (آیه به تفسیر عواقب نافرمانی مسلمین در جنگ احد می‌پردازد)، خداوند سپس دلداریش می‌دهد و بار دیگر، بر سر شفقتش می‌آورد و به مسلمانان رو می‌کند و آنان را به یاد نعمت خدا بدیشان به سبب وجود محمد مصطفی (ﷺ) می‌اندازد، برای او و برای آنان رحمت خدا را متذکر می‌شود. پس از آن، پیغمبر را دعوت به عفو و گذشت از آنان می‌کند و از او می‌خواهد که برای ایشان از خدا طلب آمرزش کند و با آنان در کارها مشورت نماید؛ همان‌گونه که قبلاً مشورت می‌کرد و آن‌که این موقعیت، کوچک‌ترین اثری در باطل قلمداد کردن این رکن اساسی در زندگی اسلامی به جای نگذارد و کمترین رخنه‌ای بدان وارد نسازد. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱/ ۵۰۰)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد این آیه بیان می‌دارد: در این آیه شریفه التفاتی به کار رفته و می‌خواهد بفرماید: رسول ما به رحمتی از ناحیه ما نسبت به شما مهربان شده است و به همین جهت به او امر کردیم که از شما عفو کند و برایتان استغفار نماید و با شما در امور مشورت کند و وقتی تصمیمی گرفت بر ما توکل کند. آیه آمیخته با لحنی عتاب‌آمیز و سرزنش است. در این جمله، خدای تعالی، رسول گرامی خود را مأمور کرد تا آنان را عفو کند تا در نتیجه بر اعمال ایشان اثر معصیت مترتب نشود. این دو امر: یعنی (عفو) و (مغفرت) در چارچوب ولایت و تدبیر امور عامه بوده؛ چون این‌گونه امور است که مشورت برمی‌دارد؛ پس عفو و مغفرت هم در همان امور اداری جامعه است. دستور الهی به پیامبر (ﷺ) مبنی بر گذشت از مردم و مشورت با آن‌ها، شامل احکام الهی نمی‌شود، توجه به این امر؛ به ویژه برای کسانی که مسؤولیت رهبری جامعه را به عهده دارند، بیش از دیگران است. علاوه بر توجه به مشورت در امور فردی، در حیطه‌ی حکومت نیز این

امر مورد تأکید قرار گرفته است. جایگاه مشورت در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومت و احکامی که از مقام ولایت صادر می‌شود، از راه شورا و با رعایت صلاح اسلام و مسلمین صادر خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۸۳-۸۴)

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، در مورد این آیه بیان می‌دارد: در باب مشورت در آیه، به چند نکته می‌توان اشاره نمود:

مطلب اوّل: بیان مشورت؛ آنچه از احادیث آل عصمت (علیهم‌السلام) مستفاد می‌شود، صحت این مورد در امور دنیویه است نه در امور دینیّه. مطابق دستور شرع مطهر، با اشخاص مهذب و متقی.

مطلب دوم: حدود مشورت است. از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است: مشورت نباشد مگر به حدود آن، پس هر که معرفت حدود آن را دارد، فایده دارد و گرنه ضرر آن برای مستشیر بیشتر از نفع آن است. آن که با او مشورت کنند: عاقل، حرّ، متدین، صدیق با اخوت و مطلع بر سیر باشد. مطلب سوم: امر الهی به مشورت به حضرت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم). این مطلب بر اساس عقل و وجدان منصف، مسلم است که انسان کامل، محتاج به ناقص و عالم، محتاج به جاهل نخواهد بود؛ پس چگونه خداوند، کسی را که عقل کل و معصوم از خطا باشد، در امورات به کسانی که ناقص‌العقل و جایز‌الخطا باشند، رجوع می‌دهد؟ پس امر به مشورت حضرت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آیه، نه برای استفاده و استعانت به رأی و تدبیر دیگران باشد، بلکه به جهت تألیف قلوب و توجّه نفوس است؛ بدین خاطر که وقوع فعل را به عزم خود حضرت، نه رأی و مشورت آنان، معلق ساخته است. (جوادی آملی، سایت الاسراء)

۲-۲. مشورت شیوهی اهل ایمان

خداوند در سوره‌ی شوری، ضمن برشمردن صفات نیک مؤمنان، به مطلب مهم و اصلی در اسلام، به نام شوری اشاره دارد که عقل‌ها و درایت‌ها با هم ترکیب می‌شود و یک نظریه‌ی پخته‌ای را ارائه می‌دهد. مسأله‌ی شوری، نه تنها در تشکیل مجلس شوری و مشورت در جنگ و صلح ضرورت دارد، حتّی در امور معمولی زندگی هم کارساز است. خداوند در قرآن کریم، صفات مؤمنان را بر می‌شمارد و یکی از بارزترین این صفات را اصل شوری در امور اجتماعی آن‌ها می‌داند که بعد از اقامه نماز که ارتباط با خداوند است، به مشورت کردن آنان در امور اشاره کرده است و سپس اهتمام آن‌ها به پرداخت زکات را متذکر می‌شود. از نظر قرآن، مؤمنان موظّفاند تا در امور زندگی خویش با هم مشورت کنند؛ زیرا قرآن مشورت کردن را جزء شیوه زندگی اهل ایمان می‌شمارد و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَهُمْ يَبْرِزُونَ﴾ (شوری/۳۸)؛ مؤمنان کسانی هستند که ندای پروردگارشان را پاسخ مثبت داده‌اند و نماز به پا کرده‌اند و کارهایشان در میانشان با مشورت است و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

سید قطب، در تفسیر فی ظلال، در مورد این آیه بیان می‌دارد که این امر، الهام می‌دارد که کار شورا در زندگی مسلمانان ژرف‌تر و مهم‌تر از این است که سیستم اسلامی فقط یک نظام سیاسی باشد و بس؛ زیرا شورا قالب اساسی و پیکره‌ی اصلی همه‌ی گروه مسلمانان است. کارو بار گروهی ایشان، بر شورا استوار و پایدار می‌گردد. آنگاه، از گروه به دولت سرایت می‌کند؛ یعنی مسلمانان هم‌گروه آنان و هم دولت ایشان، بر پایه‌ی شورا استوار و برقرار می‌گردد. طبیعی است که شورا، وجه تمایز گروه مسلمانان باشد و ایشان را از دیگران مستقل گرداند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳۸/۶)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، در مورد این آیه بیان می‌کند که کلمه‌ی (استجابت)؛ به معنای اجابت و پذیرفتن است، و منظور از این که فرمود: (مؤمنین پروردگار خود را استجابت می‌کنند)، اعمال صالحی که خدا از ایشان خواسته انجام می‌دهند و اگر بعد از آن، در بین همه‌ی تکالیف الهی، نام نماز را به میان آورد، به‌خاطر اهمیت و شرافتی است که نماز دارد. (مشورت) به معنای استخراج رأی صحیح است؛ به این که آدمی در مواقعی که خودش در باره‌ی کاری رأی صحیح ندارد، به دیگری مراجعه کند و از او، رأی صحیح بخواهد. کار مؤمنان مشاورت در بین خویش است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۷۹-۸۳) آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، در مورد این آیه بیان می‌دارد: این خیرات که عندالله است، نصیب کسی می‌شود که از نظر عقیده مؤمن باشد و از نظر عمل، این امور را داشته باشد. این نشان می‌دهد که هیچ‌کسی نمیتواند بگوید من دخالتی در سیاست ندارم، دخالتی در کارهای اجتماعی ندارم، من در انتخابات بی رأی هستم یا من در فلان امر اجتماعی بیتفاوت هستم؛ قرآن فرموده: این امر شماست و شما باید حتماً در مشورت دخالت کنید! پس هم از نظر عبادی باید مؤمن بود و صوم و صلات را داشت و هم کارها را با مشورت انجام داد. در مشورت شرکت کند و رأی خاص خودش را بدهد؛ حالا هر کسی را که قبول کرد! اما این که فاصله بگیرد از جامعه و دخالت در امور اجتماعی نکند، این آیه آن را روا نمیدارد. قرآن فرموده است: این امرتان را با مشورت انجام بدهید؛ یعنی حتماً در مشورت شرکت کنید. فرق بین سقیفه و غدیر این است که این‌ها «امرالله» را با «امرالناس» اشتباه گرفتند. خیال کردند حکومت بر مردم و تدبیر امور مردم جزء «امرالناس» است که با مشورت حل می‌شود؛ بنابراین هیچ کسی حق ندارد که در کارهای جامعه بگوید به من چه! یعنی همه باید شرکت کنند، کارهای جامعه‌ی اسلامی اینطور است. در سوره‌ی مبارکه‌ی «آل عمران» فرمود که تصمیم نهایی را پیغمبر (ﷺ) می‌گیرد. در پایان همان آیه هم فرمود: تصمیم نهایی با توست، ولی آرای مردم محترم است. مردم را در مشورت شرکت بدهید، هم در این آیه میفرماید، مردم شرکت میکنند و هم در آیه‌ی سوره‌ی «آل عمران». وجود مبارک پیغمبر (ﷺ) موظف بود که آرای مردم را محترم بشمارد، هرگونه

حکومتی باشد - درباره‌ی موضوعات - با مشورت انجام میشود و این‌ها غیر از «امرالله» است. (جوادی آملی، سایت الاسراء، سوره شوری)

۳-۲. مشورت با زنان در خانواده

قرآن کریم در مسأله‌ی تدبیر امور خانواده، برای رعایت مصلحت و مصالح فرزندان و این‌که ضرری متوجه آن‌ها نشود، به پدر و مادر که متولی امور تربیتی فرزندان هستند و از هر کس دیگری نسبت به سعادت کودک دلسوزتر و آشناترند، دستور به مشورت می‌دهد و ایشان را از خودرأیی در مورد آن‌ها به دور می‌دارد. حتی در مواقعی که آن دو نتوانند با هم زندگی کنند و طلاق گرفته‌اند، اگر زن حامله باشد، باید تا وضع حمل و شیردادن فرزند، در خانه‌ی همسر بماند و اگر بخواهد می‌تواند، فرزند را شیر دهد. در آیه‌ی: ﴿وَأَن أَرَادَ إِفْصَالٌ عَنْ نِّسَاءٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوَرَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾ (بقره/۲۳۳)، می‌فرماید: اگر آن دو، با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را زودتر از دو سال از شیر باز گیرند، گناهی بر آن‌ها نیست؛ زیرا در واقع پدر و مادر باید صلاح فرزند را در نظر بگیرند و با هم فکری و توافق برای باز گرفتن کودک از شیر برنامه‌ای تنظیم کنند و در این کار از کشمکش و مشاجره و پرداختن به مصالح خود و پایمال کردن مصالح کودک بپرهیزند. اینجا است که باب مشورت باز می‌شود و توافق حاصل می‌شود.

رشیدرضا در تفسیر المنار می‌نویسد: این آیه، در باب رسیدگی به امور زناشویی، خانواده و تربیت اولاد است و بر چهار پایه قرار دارد: ۱- قیام زنان به اموری که وظیفه‌ی ایشان اقتضا می‌کند؛ مانند شیر دادن و مشابه آن که از کارهای تربیتی اطفال باشد و مرد لازم است که تمام نفقات و خرج‌ها را بپردازد. ۲- هر یک از زن و مرد نباید، سبب مخارج اضافه و بیش از حد وظیفه بر دیگری گردد. ۳- هر یک از طرفین نباید به فرزند و نه به غیر از او، آسیب رسانند یا با دیگری مخالفت نماید. ۴- با رضایت و مشورت یکدیگر، امور قطعی را به انجام رسانند. از این آیه‌ی قرآن معلوم می‌شود، دین در کمترین مسائل تربیتی مربوط به کودک که امری جزئی است، به مشورت اهتمام ورزیده و از هرگونه استبداد رأی پرهیز کرده است، و در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ و از مخالفت خدا بپرهیزید و بدانید خدا به آنچه می‌کنید، بیناست و نتیجه می‌گیرد که اگر پدر و مادر با تراضی و مشورت به ادای حقوق کودک قیام کنند، آن کودک مایه‌ی روشنی چشم آن‌ها خواهد بود و گرنه، اگر با خودخواهی دنبال خواهش‌های نفسانی باشند، همان کودک باعث فتنه در دنیا و استحقاق عذاب در آخرت خواهد شد. (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۴۰۸/۲)

سید قطب در تفسیر فی ظلال، در مورد این آیه می‌نویسد: بی‌گمان، مادر مطلقه در برابر فرزند شیرخوارش وظیفه‌ای دارد. وظیفه‌ای که خداوند آن را به او واجب می‌دارد و نمی‌گذارد که مادر به سبب فطرت و عاطفه‌اش که چه‌بسا اختلافات زناشویی آن را جریحه‌دار و تباه

نماید، فرزندش را رها سازد و زیان آن، متوجه کودک بیچاره گردد. این است که خداوند کودک را تحت کفالت خویش می گیرد و او را به گردن مادرش می اندازد و پرورش وی را بر او واجب می گرداند که دو سال تمام او را شیر دهد؛ زیرا خداوند می داند که این مدت، از لحاظ همه‌ی جنبه‌های تندرستی و روانی برای کودک یک دوره‌ی مهم و درخور توجه است. مادر در مقابل آنچه خداوند به او واجب فرموده است، بر پدر حقی دارد؛ یعنی این که خوراک و پوشاک او را به خوبی و نیکی تأمین کند. هر دوی ایشان شریک رنج و زحمت بوده و در برابر این کودک شیرخوار مسؤول هستند. مادر با شیر دادن و پرورش کردن و نگهداری نمودن، به کودک کمک و یاری می کند و پدر با تهیه‌ی خوراک و پوشاک به مادر مدد می‌رساند تا از کودک نگهداری کنند و هر دوی ایشان، در حدّ توان خود، به انجام وظیفه می‌پردازند. هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست. شایسته نیست که هیچ یک از والدین، کودک را وسیله‌ی زیان دیگری قرار دهد. حقوقی که بر عهده‌ی پدر است، بعد از وفات او، متوجه وارث بزرگ او می‌گردد. وارث ارشد، مکلف است که خوراک و پوشاک مادر و شیرده را به خوبی و نیکی تأمین کند تا ضمانت خانوادگی تحقّق یابد. بدین منوال، کودک اگر پدرش بمیرد، ضایع نمی‌شود و از دست نمی‌رود. بلکه حقّ او و مادرش در همه‌ی احوال تضمین شده است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۵۳/۱)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد که آیه، پدر را به علت این که فرزند برای او متولّد می‌شود و در بیشتر احکام زندگی‌اش ملحق به اوست، صاحب فرزند می‌نامد؛ بنابراین پدر می‌بایست مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله، خوراک و پوشاک و نفقه‌ی مادری که او را شیر می‌دهد به عهده بگیرد و این هم به عهده‌ی مادر او است که پدر فرزند را ضرر نزند و آزار نکند. حضانت و شیر دادن حقّ مادر طلاق داده شده و موکول به اختیار او است؛ اگر خواست می‌تواند کودکش را شیر دهد و در دامن پیرورد و اگر نخواست می‌تواند از این کار امتناع بورزد. همچنین رساندن مدت دو سال را به آخر، حقّ اوست. این آیه به بیان احکامی چند درخصوص بچه شیرخوار و وظایف والدین او پس از طلاق پرداخته است. شوهر نمی‌تواند به زور، میان مادر و طفل جدایی بیندازد. زن نیز نمی‌تواند، در مورد بچه‌ی شوهر، به شوهر ضرر وارد آورد؛ مثلاً نگذارد، پدر فرزند خود را ببیند. کلمه (فصال) به معنای از شیر جدا کردن کودک است و کلمه تشاور به معنای اجتماع کردن در مجلس مشاوره است. حضانت و شیر دادن بر زن واجب و غیر قابل تغییر نیست، بلکه حقی است که می‌تواند از آن استفاده کند و می‌تواند ترکش کند و به پدر و مادر امر می‌کند که در باره‌ی فرزند خود، با مشورت به توافق برسید که هیچ یک از شما متضرّر نشود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۲۴۳-۳۵۰)

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، در مورد این آیه بیان می‌دارد: مادرانی که بخواهند بر اساس حقّ الحضانه و حقّ الارضاع، دوران شیردهی نوزاد خود را تمام کنند،

دو سال کامل (۲۴ ماه قمری) او را شیر دهند. پدر کودک تا دو سال یا کمتر از آن که مادر نوزاد خود را شیر می‌دهد، هزینه‌های زندگی آن مادر را عهده‌دار است؛ مانند هزینه خوراک و پوشاک هرچند آن مادر مطلقه باشد و عده‌ی او به‌سر آمده باشد. چنانچه پدر بمیرد، این هزینه بر عهده‌ی وارث اوست. هیچ یک از والدین نمی‌بایست به فرزندشان آسیب برساند؛ یا هر یک به بهانه‌ی کودک به دیگری زیان برساند. از شیر گرفتن نوزاد، با رضایت و مشورت پدر و مادر و لحاظ مصلحت کودک اشکالی ندارد و گناه نیست. رعایت تقوا در همه امور، مخصوصاً در احکام خانواده، لازم است و باید دانست که خدا به اعمال بندگانش بیناست. (جوادی آملی، سایت الاسراء)

۳. جایگاه مشورت در روایات

ضرورت مشورت از آن رو است که برای رشد و کمال انسانی، چاره‌ای جز بهره‌گیری از اندوخته‌های دیگران وجود ندارد. پیامبر اسلام (ﷺ) بنای حکومت اسلامی را بر مشورت قرار داد. ایشان با این که از علم لدنی برخوردار و به دانش غیبی متصل بود، برای اشاعه این اخلاق و دوری از استبداد رأی در امور مهم با مسلمانان مشورت می‌کرد. پیامبر اسلام، مشورت را باعث حیات جامعه و عدم آن را موجب نابودی جامعه می‌داند: «إذا كان أمراً لكم خياركم و اغنياءكم سُمَحائكم و أمرکم شوری بینکم فظهِرُ الارضِ خيرُ لكم من بطنها و إذا كان أمراً لكم شراركم و اغنياءكم بُخلائكم و لم يكن أمرکم شوری بینکم فبطن الارضِ خيرُ لكم من ظهرها»؛ هنگامی که زمامداران شما، نیکان باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهای نیک با مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین، از زیر زمین برای شما بهتر است... (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۵: ۳۶) نیز فرمودند: «احدی در کارهای خود مشورت نمی‌کند، مگر این که به راه راست و مطلوب هدایت می‌شود.» (طیب، ۱۳۸۶: ۴۰/۳) همچنین فرمودند: «هرگاه انسان عاقل خیرخواه به تو مشورت داد، بپذیر و از مخالفت به آن بپرهیز که بی‌گمان، نتیجه آن هلاکت است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۷۵-۱۲۰) ایشان با وجود اتصال به وحی در غزوات خود، به مشورت با یاران می‌پرداختند؛ چنان که در غزوه‌ی احد، نتیجه‌ی مشورت با یاران به زیان مسلمانان انجامید، اما در شورای نظامی که در آستانه غزوه‌ی خندق برگزار گردید، نظر سلمان فارسی مورد پذیرش قرار گرفته و پیروزی مسلمانان را در پی داشت. (سبحانی، بی‌تا: ۳۴ / ۲ و ۱۲۶) «مشاوره موجب رشد اندیشه و تفکر در جامعه اسلامی و مشارکت مردم در سرنوشت خویش، سبب تحکیم پیوندهای اجتماعی و تقویت روحیه مسؤولیت‌پذیری در امور و از بین رفتن روحیه بی‌تفاوتی و انزوا گرایی می‌گردد. مهم‌ترین جنبه‌ی یک حکومت مردمی، آن است که نقش پستوانه را اجرا می‌کند و مردم با اعتبار یافتن و شرکت در امور، نقش واقعی خود را می‌یابند و لذا در قرآن خطاب به پیامبر (ﷺ) فرمود: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ

المؤمنين﴾ (الانفال/۶۴)؛ ای پیامبر خداوند و مؤمنان که از تو پیروی می کنند برای حمایت تو کافی است و با کمک آنان می توانی به هدف خود نائل شوی. یکی از راه های مشارکت مردم در امور، در قالب مشاوره با آنهاست و لذا مشارکت در قالب مشورت، پشتوانه ای بس عظیم برای هر نظامی است.» (مصطفی پور، ۱۳۸۶: ۶)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ»؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست. (نهج البلاغه، ح ۱۱۳) به لحاظ این که مشاوره با صاحب نظران و عاقلان، باعث دریافت حقیقت و دوری از خطاء و لغزش است و نیز فرمود: «الاسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهَدْيَةِ وَ قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ»؛ مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود اکتفا کند خویشتن را به خطر انداخته است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۹/۷۲)

جامعه ای که فاقد سنت مشورت است، در تبوتاب خودمحوری ها و خودسری ها می سوزد و دچار عدم تعادل می شود و لذا برای سلامت در تصمیم گیری ها، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَمْرًا فَشَاوَرَ فِيهِ وَ قَضَى، هُدًى لَّارْشَادِ الْأَمْرِ»؛ هر کس تصمیم به اجرای کاری گیرد و سپس برای آن مشورت کند و انجام دهد، به بهترین راه دست یافته است. (سیوطی، بی تا: ۱۰/۶) حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «إِذَا عَزَمْتَ فَاسْتَشِرْ»؛ هرگاه عزم کاری کردی مشورت کن. (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۷۵/۱)

«مشورت کردن مایه ی پشت گرمی و رسیدن به حق و دوری از خطا و لغزش و در نتیجه؛ دوری از ندامت و پشیمانی است.» (مصطفی پور، ۱۳۸۶: ۷) از حضرت امیر (علیه السلام) روایت است که هیچکسی نمیتواند از جامعه جدا شود: «فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَمَلِ لِلذُّبِّ.» (نهج البلاغه، خ ۱۲۷) این بیان نورانی در نهج البلاغه حضرت امیر هست؛ فرمود: همانطوری که گوسفند تکچر و تکرو، طعمه ی گرگ می شود، انسانی که بگوید به من چه! به تو چه! هم به دیگری می گوید چرا شرکت میکنی و هم خودش شرکت نمیکند، این انسان طعمه ی شیطان است، این کسی که «شنود» فکری دارد و از جامعه جدا می شود، این مشکل را دارد. (جوادی آملی، سایت الاسراء، سوره الشوری) همچنین فرمود: «لَا تَسْتَبِيلُ بِرَأْيِكَ فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ»؛ خود رأی مباش که هر که خودرایی کند هلاک می شود. (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۶/۶) «لَا يَسْتَعْنَى الْعَاقِلُ عَنِ مُشَاوَرَةٍ»؛ خردمند از مشورت کردن بی نیاز نیست. (همان، ۲۴۶/۳)

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در تبیین فلسفه و اهداف و آثار مشورت می فرماید: «ماتشاوَرَ قومًا إلا هُدوا إلى الرُّشْدِ هِم»؛ هیچ گروهی در کارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مانند آن ها با یکدیگر مشورت نکرده اند، مگر آن که به رشد رسیده اند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۵: ۲۳۳) امام باقر (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الْمَشَاوَرَةَ مُبَارَكٌ»؛ مشورت کردن خجسته و مبارک است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳/۷۵)

۴. شرایط مشاور در روایات

از امام صادق (ع) نقل است: «مشورت نباشد مگر به حدود آن، پس هر که معرفت حدود آن را دارد، فایده دارد و گرنه ضرر آن برای مستشیر بیشتر از نفع آن باشد. آن که با او مشورت کنند: عاقل، حر، متدین، صدیق با أخوت و مطلع بر سیر باشد.» نیز می‌فرماید: «در کارهایت بنا به مقتضیات دینی با شخصی مشورت کن که دارای این پنج خصلت باشد: عقل، علم، تجربه، خیرخواهی و تقوا.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳/۷۲) از سوی دیگر، قاعده فقهی مشورت، همان قاعده‌ی رجوع جاهل به عالم است. این قاعده، مؤید این است که در اموری که انسان نسبت به آن علم ندارد، به اشخاص خبره و کارشناس رجوع می‌کند. حضرت علی (ع) فرمود: «شاوَرِ ذَوِ الْعُقُولِ تَأْمِنُ الزَّلَّ وَالنَّدَمَ»؛ با صاحبان خرد مشورت کن تا از لغزش‌ها و پشیمانی‌ها ایمن گردی. (آمدی، ۱۳۶۶: ۱۷۹/۴) پیامبر (ص) به امیرمؤمنان فرمود: با سه گروه مشورت مکن: «یا علی لا تَشَاوِرَنَّ جِبَانًا فَإِنَّهُ يَضِيقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ، وَلَا تَشَاوِرَنَّ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصِرُ عَنْ غَايَتِكَ وَلَا تَشَاوِرَنَّ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يَزِينُ لَكَ شَرَّهَا»؛ یا علی با آدم ترسو مشورت نکن که راه بیرون شدن از دشواری‌ها را بر تو تنگ می‌سازد؛ با بخیل رایزنی نکن که تو را از نیل به مقصود باز می‌دارد و از حریص مشورت مخواه که حرص و آز را در نظرت می‌آراید. (صدوق، ۱۳۶۷: ۱۰۲/۱۰) پیامبر (ص) همان طوری که از طرف خداوند مأموریت یافت تا با مردم مشورت کند، سیره‌ی عملی آن حضرت نیز حکایت از مشورت آن حضرت می‌کند. حضرت امام رضا (ع) می‌فرماید: «ان رسول الله (ص) كان يستشير اصحابه ثم يعزم على ما يريد»؛ رسول خدا با اصحابش مشورت می‌کرد، سپس بر آنچه که اراده می‌کرد، تصمیم می‌گرفت. (برقی، ۱۳۹۶: ۶۰۱) این روایت استفاده می‌شود که سیره‌ی مستمر و همیشگی پیامبر مشورت با مردم بود. (بی‌هقی، ۱۴۱۴: ۴۵/۷)

امام علی (ع) فرمود: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْهُيِّ وَالْأَلْبَابِ فَازَ بِالنُّجْحِ وَالصَّوَابِ»؛ هر که با خردمندان مشورت کند، پیروزی یافته و به راه صواب می‌رود. (آمدی، ۱۳۶۶: ۱۷۹/۵) نیز فرمود: «لَا تَشَاوِرَنَّ فِي أَمْرِكَ مَنْ يَجْهَلُ»؛ در کار خویش با نادان مشورت مکن. (همان، ۲۷۰/۶) «مُشَاوِرَ الْحَازِمِ الْمُشْفِقِ ظَفَرٌ»؛ مشورت کردن با دوراندیش مهربان مایه‌ی پیروزی است. (همان، ۱۹۶/۶) «شَاوَرِ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرَشَّدْ»؛ در کارهایت با خداترسان مشورت کن تا به حقیقت برسی. (همان، ۱۷۹/۴) «أَفْضَلُ مَنْ شَاوَرْتَ ذَوَاتِ الْجُرَابِ»؛ تجربه‌دیده، بهترین کس است که با او مشورت کنی. (همان، ۴۵۷/۲)

۵. منع مشورت در احکام الهی

نکته‌ای که تذکرش در اینجا لازم می‌باشد، این است که پیامبر اکرم (ص) در اموری که حکم شرعی آن‌ها از سوی خداوند متعال بیان شده بود، به مشورت با اصحاب نمی‌پرداخت؛ زیرا در مواردی که حکم شرعی معلوم است، نیازی به مشورت نیست و

اصولاً رجوع به مشورت در چنین مواردی به معنای بی‌اعتنایی به حکم شرعی و ناقص دانستن آن و استمداد جستن از عقول بشری برای تکمیل آن است و می‌دانیم که هیچ مسلمان معتقدی، مرتکب چنین عملی نمی‌گردد تا چه رسد به پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ﷺ). بنابر این، اگرچه کلمه «الامر» در آیه: «و شاورهم فی الامر» مفهوم وسیعی دارد ولی شامل احکام تشریعی نیست. سیره‌ی پیامبر اکرم (ﷺ) نیز چنین بود که هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد و در این موارد، فقط تابع وحی بود. نتیجه آن که موارد مشورت، تنها طرز اجرای قانون و تطبیق (پیاده کردن) احکام الهی بود. به عبارت دیگر، پیامبر (ﷺ) هرگز در امر قانون‌گذاری مشورت نمی‌کرد، بلکه فقط در چگونگی اجرای قانون نظر اصحاب را جویا می‌شد. از این رو، گاهی که پیامبر (ﷺ) پیشنهادی را طرح می‌کرد، مسلمانان نخست می‌پرسیدند: آیا این یک حکم الهی است تا قابل اظهار نظر نباشد یا رأی خود شما و مربوط به چگونگی تطبیق قوانین است؟ در صورتی که می‌دانستند، از قبیل قسم دوم است، اظهار نظر می‌کردند و گرنه (در صورتی که از قبیل قسم اول بود) در برابر حکم الهی تسلیم می‌شدند. (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۵)

۶. هدف از مشورت

با توجه به آنچه که در اهمیت شورا و ماهیت شورا گفته شد، هدف شورا به طور کلی دو چیز است:

۱- اجتناب از خودمحوری و خودکامگی و انحصارطلبی که در نتیجه از پیامدهای آن؛ از دست دادن ارزش‌های انسانی، ندامت و لغزش است.

۲- رسیدن به معرفت و آگاهی و غنا بخشیدن به اندیشه و فکر در پرتو تضارب آراء و دست‌یابی به توافق جمعی.

بنابر این، در تفاسیر قرآن در این که چرا پیامبر (ﷺ) با این که از منبع وحی حقایق را دریافت می‌کرد، مأمور به مشورت شد، وجوهی ذکر کرده‌اند که همه آن‌ها به این دو هدف برمی‌گردد. آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- مشاوره برای شخصیت دادن به افراد؛ ۲- برای رشد فکری مردم؛ ۳- برای این که مردم بدانند، حکومت او استبدادی نیست؛ ۴- برای این که خلق خدا بدانند، نزد خدا احترام دارند؛ ۵- به سبب آن که نظرخواهی از دیگران عادی است؛ ۶- برای اقتدا و تأسی امت به حضرت؛ ۷- برای آزمایش افراد و این که افراد صاحب‌نظر و عاقل تشخیص داده شوند؛ ۸- برای استفاده از تأیید مردم و توافق جمعی؛ ۹- در صورت شکست، انتقاد بی‌جا نکنند. ۱۰- برای آگاهی مشورت شوندگان به این که نظر صحیح کدام است. (ر.ک: استادی، ۱۳۶۰: ۳۱ و ۳۶؛ فرح، ۱۳۸۷؛ مؤسسه آیین روشن، ۱۳۸۸؛ یآوری راد، ۱۳۹۵)

۷. بررسی نظر قرآن و روایات در خصوص مشورت با زنان

قرآن در مورد بلقیس ملکه سبا، از درایت و هوشمندی این زن در امور مهم کشورش سخن می‌گوید، وقتی نامه‌ای از حضرت سلیمان به او رسید، به درباریان و مشاورانش گفت: ای مهتران، مرا در کارم نظر دهید که من تاکنون بی‌حضور شما هیچ تصمیمی نگرفته‌ام. علامه طباطبایی در مورد این آیه در تفسیر المیزان بیان می‌دارد: موضوع بحث در این آیه، رایزنی ملکه سبا با بزرگان قوم خویش است تا از این طریق بتواند در پاسخ حضرت سلیمان در دعوتش به یکتاپرستی، چاره‌اندیشی کند. او با افراد سرشناس قومش (ملاً) که در امور سیاسی دستی توانا داشتند، مشورت کرد. واژه (إِقتا) به معنی فتوی دادن و اظهار نظر دادن است. «ماکُنْتُ قاطِعَةً أَمراً» حکایت از این دارد که ملکه سبا در تصمیم‌گیری‌ها، مشورت می‌کرده است و از خودرأیی اجتناب می‌ورزیده است. در این آیه، به دو ویژگی در مشورت اشاره دارد: اول این که، مشورت با کسانی رواست که دارای عقل سلیم، تدبیر، فضیلت، تقوا و دانش کافی باشند؛ و دیگر این که، از خودرأیی در کارها احتراز شود؛ چراکه خودرأیی، جز لغزش و ندامت در پی نخواهد داشت. بر اساس دیدگاه اسلام، در مسأله مشورت، ملاک این است که طرف مشورت اهل خبره باشد، در این صورت، تفاوتی بین زن و مرد نیست و اسلام این معنا را لازمه یک جامعه رو به رشد و بالنده می‌داند و معتقد است که زنان چون مردان، حق شرکت در تمامی اموری که اسلام به‌طور خاص منع نکرده را دارند و تفاوتی که بین زن و مرد وجود دارد، به دایره تکالیف و وظایف هریک در عرصه‌های مختلف اجتماع مربوط می‌شود؛ لذا در اموری مثل امر جهاد و شیوه تعامل با آنان که زنان تکلیفی ندارند، مشورت با آنان موضوعیت ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱/۱۶-۴۰) در این جا ممکن است این سؤال مطرح شود که اصل مشورت در اسلام و تأکید قرآن بر این مسأله پذیرفتنی است، ولی در برخی روایات، مشورت با زنان مذمت شده است. در این صورت آیا در امور مربوط به سرنوشت جامعه، جایی برای مشورت با زنان باقی می‌ماند؟ پاسخ این است که اصولاً اسلام، در آن بخش از مسائل که مردم حق اظهار نظر دارند؛ نظیر شیوه برخورد با دشمنان، مسائل مهم اجتماعی در عرصه‌های مختلف، مشورت را ممدوح دانسته و سفارش کرده است، ولی ویژگی مهم این است که طرف مشورت باید اهل خبره باشد که قدرت و توان تحلیل موضوع و اظهار نظر کارشناسانه را داشته باشد. از این رو، پیامبر اکرم (ﷺ) بر اساس دستور قرآن کریم که فرموده است: «و در کارها با آن‌ها مشورت کن.» به عنوان مثال؛ پیامبر اکرم (ﷺ) در امور نظامی و جهاد، با افراد صاحب‌نظر مشورت می‌کرد.

با تأکیدی که اسلام در مورد مشورت دارد، در نهج‌البلاغه، حضرت علی (علیه السلام) در نامه (۳۱) که برای فرزندشان امام حسن (علیه السلام) نوشته‌اند، به ایشان چندین توصیه راجع به

زنان می‌نمایند و در زمینه‌ی مشورت با زنان می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَ الْمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنْ رَأَيْهِنَّ إِلَى أَقْنٍ وَ عَزَمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ (در مسائل سیاسی) از مشورت با زنان خودداری کن؛ زیرا نظر آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است. (دستی، ۱۳۷۹: ۳۸۳) اما در مواردی خاص که زنان تجربه خوبی دارند، می‌توان با آنان مشورت کرد؛ چرا که نهی از مشورت، غالبی و عمومی است و می‌توان برای آن، مواردی استثنایی پیدا کرد. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مَنْ جَرَّبَتْ بِكَمَالٍ عَقْلٍ»؛ از مشورت با زنان اجتناب کنید مگر آن که کمال عقلانی او به ثبوت رسیده باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۳/۱۰۰)

مراد از این کلام، مشورت با تمامی زنان نیست، بلکه مراد زنانی هستند که یا کم‌خردند و یا تجربه و آگاهی لازم در امور مورد مشورت را ندارند و شامل زنان آگاه و شایسته نمی‌شود؛ چنان‌که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «پیرامون دخترانتان با زنان مشورت کنید»، از محتوای این سخن برمی‌آید که در هر موردی که زنان از آگاهی یا تخصص بهره‌مند باشند، می‌توان با آنان رایزنی کرد. امام علی (علیه السلام) در حکمت (۱۶۱) می‌فرماید: «هر که خودرأی شد، به هلاکت رسید. هر که با دیگران مشورت کرد، در عقل آنان شریک شد.» و در حکمت (۱۷۳) می‌فرماید: «آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد» و در حکمت (۸۶) می‌فرماید: «اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است.»

۸. بررسی روایت (إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ)

در خصوص روایت: (إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ)، چند نظر وجود دارد که به بیان هر یک می‌پردازیم:

الف- آیت‌الله جوادی آملی در کتاب زن در آینه جلال و جمال، بیان می‌دارد: «چنین تعبیرهایی به لحاظ غلبه خارجی موضوع، در زمان بیان آن است؛ یعنی در آن زمان که زنان از تعلیم و تربیت صحیح محروم بوده‌اند، منشأ نکوهش گردید؛ یعنی اگر زنان در پرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابند و چون مردان بیندیشند و چون رجال تعقل و تدبّر داشته باشند، تمایزی از این جهت با مردها ندارند و اگر گاهی تفاوت یافت شد، همانند تفاوتی است که در این مورد بین خود مردها نیز مشهود است.

ب- مثلاً اگر زنان مستعد به حوزه‌ها و دانشگاه‌های علمی راه یابند و همانند مردان به فراگیری علوم بپردازند و در دروس مشترک آگاهی کامل یابند، دیگر نمی‌توان گفت، روایاتی که در نکوهش زنان آمده و احادیثی که در پرهیز از مشورت با آن‌ها وارد شده و ادله‌ای که در نارسایی عقول آنان رسیده، اطلاق دارد و هیچ‌گونه استثنایی نسبت به زنان دانشمند و محقق ندارد، بلکه قطعاً این گونه زنان، مستثنی خواهند بود و در این زمینه تمایزی با مردها ندارند.

ج- روایت در مقام نهی از مشورت در امور خاص (مانند حکومت‌داری یا قضاوت و

... است، نه مطلق مشورت. به عدم به‌کارگیری زن به‌عنوان کارگزاری حکومت اشاره می‌شود و از عدم قبول شفاعت زن در امور حکومتی، سخن به زبان می‌رود. از این رو ممکن است منظور از مشورتی که در صدر خطبه، مورد نهی قرار گرفته است، مشورت در امور حکومتی و سیاسی و قضایی باشد؛ چرا که این امور، نیازمند عقلانیت محض، شجاعت و دوراندیشی ویژه‌ای است و چه‌بسا لطافت روحی و روانی زنان، سبب اتخاذ تصمیم احساسی گردد. البته زنانی که تصمیمات عقلانی آن‌ها تجربه‌شده است، از این مشاوره، مستثنا هستند. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۶ و ۳۷)

موارد مشورت نیز باید شناخته شود زیرا به دلیل تفاوت‌های فکری در مردان و زنان، باعث می‌شود که جنبه‌هایی از موضوع پوشیده بماند و با مشورت واضح شود. مشورت کردن، مخصوصاً در خانواده و در راستای رسیدن به هدف، بسیار سازنده است و تلاش و هم‌فکری اعضای خانواده بسیار ستودنی است. ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که از لحاظ روحی، روانی، جسمی و توانایی که بین هر یک از زن و شوهر وجود دارد و شناخت این تفاوت‌ها در زندگی و در بسیاری از زمینه‌ها مانند واگذاری مسئولیت‌ها و رعایت حال طرف مقابل بسیار سودمند است.

۹. ارزیابی دیدگاه‌های مفسران فریقین

پس از بیان دیدگاه‌های مفسران، ارزیابی نظرات آن‌ها ضرورت دارد. در مقاله‌ی حاضر با روش تطبیقی، در دیدگاه رشیدرضا و سید قطب از مفسران اهل سنت، در مورد حضانت زنان بر فرزندان شیرخوارشان، با نظر مفسران شیعه تفاوت دیده می‌شود. مفسران اهل تسنن در این خصوص حکم به وجوب می‌کنند؛ بدین معنا که واجب است زنان با توجه به جدایی از همسر، دو سال تمام فرزندان‌شان را شیر بدهند، در صورتی که بر طبق نظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، در مورد حضانت بیان می‌دارند که حضانت طفل حقّ زنان است، نه تکلیف آنان. زنان می‌توانند در مورد شیر دادن و ادامه زمان آن به اختیار عمل کنند و تا هر زمان که بخواهند، اجباری ندارند و مرد نمی‌تواند آنان را مجبور کند و اگر موافق شیر دادن بودند، پدر طفل باید نفقه آنان را بپردازد، ولی در مورد بازگرفتن طفل از شیر، باید با پدر طفل مشورت کنند که چه زمان انجام شود. در برداشت از سایر آیات مورد استناد، در نظر مفسران اهل تسنن با نظرات مفسران شیعه تناقضی دیده نمی‌شود و تمامی این مفسران، بر اصل اجرای مشورت در جامعه‌ی اسلامی و همچنین مشورت با زنان وحدت نظر دارند.

نتیجه

با بررسی آیات و روایات و مطالعه‌ی تفاسیر مفسران معاصر فریقین که در مطالب بالا مطرح گردید، این پژوهش به این نتایج رسیده است که در امور خانوادگی، مشورت با

زنان، طبق آیه (۲۳۳) بقره و در امور اجتماعی طبق آیه‌ی (۳۸) سوره‌ی شوری که از خصوصیات مؤمنان سخن گفته شده است و بر طبق نظر معصومان (علیهم‌السلام) که شرایط مشاور را تجربه و صاحب رأی بودن آنان در امور مورد مشورت و اهل خبره بودن می‌دانند، اساس آموزه‌های دینی، مشارکت زنان در تمام زمینه‌ها، مورد تأیید قرآن و سنت است. در این صورت تفاوتی بین زن و مرد نیست و بر اساس دیدگاه اسلام، مشورت، در تمامی اموری که فاقد حکمی از احکام خدا و رسول است، جایز می‌باشد. زنان می‌توانند، دوشادوش مردان در اجتماع ایفای نقش کنند و این حکم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، تعیین سرنوشت جامعه و انتخابات ساری و جاری است، در صورتی که دارای تجربه و تخصص و تقوای لازم باشند. روایات منع مشورت با زنان که در توصیه‌های حضرت علی (علیه‌السلام) به فرزندان بیان شده است، طبق شواهد تاریخی به زنانی اشاره دارد که در پی منافع دنیوی و جوّ حاکم در زمان ایشان و در بیت آن حضرت، حضور داشته‌اند و این پیشگویی امام المتقین، حکایت از آن دارد. چنانچه در بعضی از متون روایی، ایشان مشورت با زنان با تجربه را توصیه نموده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده، زنان هم مانند مردان، به‌عنوان فردی از جامعه‌ی مؤمنان، در صورت داشتن شرایط ثبوتی و نداشتن شرایط سلبی، می‌توانند مورد مشورت قرار گیرند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه امام علی (علیه‌السلام)

۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ش): «غررالحکم ودرر الکلم»، ترجمه محمد علی الانصاری، تهران: بی‌نا.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۵ش): «تحف العقول»، ترجمه کمرهای، تهران: کتابخانه اسلامیه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۳۵ ق): «لسان العرب»، قم: نشر ادب الحوزه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. استادی، رضا (۱۳۶۰ش): «شوری در قرآن و حدیث»، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
۵. بیهقی، احمد بن حسین (۴۱۴ ق): «السنن الکبری»، مکه: بی‌نا.
۶. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲ش): «رجال»، تهران: چاپ محدث ارموی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵): «زن در آینه جلال و جمال»، قم: نشر الاسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹ش): «تفسیر»، سایت اسراء.
۹. حوزه نت (۱۳۷۸ش): «نگاهی به مبانی فقهی شورا»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم، شماره ۴.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷ش): «لغت نامه»، تهران: بی‌نا.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۷۹ش): «نهج البلاغه»، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
۱۲. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق/۲۰۰۵م): «تفسیرالقرآن الحکیم، المشهور به تفسیر المنار»، تحقیق ابراهیم شمس، لبنان.
۱۳. سبحانی، جعفر (بی‌تا): «فروغ ابیدیت»، بی‌جا: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. سامانی، محمود (۱۳۷۸ش): «مشورت و مشاوران در سنت و سیره پیشوایان»، قم.
۱۵. سیوطی، جلال الدین (بی‌تا): «المزهر فی علوم الغه»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۷ش): «من لایحضر الفقیه»، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴ش): «ترجمه تفسیر المیزان»، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم:

دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

۱۸. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶): «تفسیر اطیب البیان»، بی‌جا: مؤسسه سیطین.
۱۹. علیزاده، قدسی (۱۳۹۰): «جایگاه و ابعاد مشورت در سیره‌ی عملی امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۱.
۲۰. عظیمی زاده، احمد (۱۳۸۲): «بررسی مقاله‌های مدیریت مشارکتی از منظر فرهنگ اسلامی و فرهنگ غرب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش و پرورش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۱. فرح، رامین (۱۳۸۷): «مقاله مردم سالاری مهدوی»، نشریه مشرق موعود.
۲۲. فتحی، امیر (۱۳۹۵): «نقش و جایگاه شورا و بیعت در حکومت اسلامی از دیدگاه شیعه و اهل سنت»، پایان نامه دانشگاه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۵۲ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. قطب، سید ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دارالشروق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق): «بحارالانوار»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۲۶. معین، محمد (۱۳۷۱ش): «فرهنگ فارسی»، تهران: امیرکبیر.
۲۷. مصطفی پور، محمد رضا (۱۳۸۶): «قلمرو شورا در منابع اسلامی»، گنجینه معرفت، ش ۲۲.
۲۸. میرزا محمد، علیرضا (۱۳۸۹): «اصول و مبانی و شورا از منظر امام علی (ع)»، نشریه پژوهشنامه علوی، سال اول، ش ۲.
۲۹. بافکار، حسین (۱۳۸۳): «حلقه تدبیر (ویژه نامه شوراهاى اسلامی)»، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۳۰. یاورى راد، علیرضا (۱۳۸۵ش): «تحول مفهوم شورا در اندیشه سیاسى اندرزنامه نویسان در هفت قرن اول هجرى»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

Resources

The Holy Quran

Nahj al-Balaghah Imam Ali (AS)

1. Amodi, Abdul Wahed, (1366 SH), "Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalam", translated by Mohammad Ali Al-Ansari, Tehran.
2. Ibn Shuba Harrani, Hassan Ibn Ali, (1365 SH), "Tohaf Al-oqol", translation by Kamarehei, Tehran, Islamic Library.
3. Ibn Manzoor Muhammad Ibn Mukarram, (1435 AH), "Lesan Al-arab", Qom, publication of Al-Hawza literature, Beirut, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
4. Oštadi, Reza, (1360SH), "Shura in Quran and Hadith", Hijrat Publishing Institute, Qom, Iran.
5. Bayhaqi, Ahmad Ibn Hussein, (1414 AH), "Al-Sunan Al-Kubra", by the effort of Abdul Qadir Atta, Mecca.
6. Barqi, Ahmad Ibn Mohammad, (1342 AH), "Rijal", published by Mohaddes Ar-mavi, Tehran
7. Javadi, Amoli, Abdullah, (1375 SH), Woman in the Mirror of Glory and Beauty, Qom, Al-Isra Publishing.
8. Esraa site. Interpretation of Ayatollah Javadi Amoli.
9. Hozeh Net, A Look at the Jurisprudential Principles of the Council, Journal of Political Science, Baqer Al-Uloom University, (1378 SH), No. 4.
10. Dehkhoda, Ali Akbar, (1337 SH), "Dehkhoda", under the supervision of Dr. Mohammad Moin, Tehran, Bina.
11. Dashti, Mohammad, (1379 SH), Nahj al-Balaghah, translated by Mohammad Dashti, Qom, Hozour Publishing Cultural Institute.
12. Rashid Reza, Mohammad, (1414 AH / 2005 AD), Tafsir al-Quran al-Hakim,

- famous for the interpretation of Al-Manar, research by Ibrahim Shams, Lebanon.
13. Sobhani, Jafar, (no date), Forough Eternity, vol. 2, Islamic Propaganda Office, (no place).
 14. Samani, Mahmoud, (1378 SH), Consultants and advisors in the tradition and manners of leaders, Qom.
 15. Siouti, Jalal al-Din, (no date), Al-Mazhar fi Umm al-loqah, Beirut, Dar al-Kitab al-Almiyeh.
 16. Saduq, Mohammad Ibn Ali, (1367 SH), "Man La Yahzoroho al-Faqih", translated by Ali Akbar Ghaffari, Tehran, Saduq Publishing
 17. Tabatabai, Mohammad Hussein, (1374 SH), translated of Tafsir Al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom, Islamic Publications Office of the Teachers Association.
 18. Tayyib, Sayyid Abdul Hussein, (1386 SH), "Tafsir Atyab Al-bayan", Publisher: Sabtin Foundation.
 19. Alizadeh, Ghodsi, (1390 SH), The position and dimensions of consultation in the practical biography of Imam Khomeini (RA), Scientific-Research Quarterly, Journal of the Islamic Revolution, First Year, Vol. 1, Master of Islamic Sociology, Shahed University.
 20. Azimzadeh, Ahmad, (1382 SH), Review of Participatory Management Articles from the Perspective of Islamic Culture and Western Culture, Master Thesis, Higher Education Institute of Management and Planning Organization.
 21. Ramin, Farah, (1387 SH), Mahdavi Democracy article, Mashreq Mo'oud Magazine.
 22. Fathi, Amir, (1395 SH), The role and position of the council and allegiance in the Islamic government from the perspective of Shiites and Sunnis, thesis of the University of Qom Seminary Management Center.
 23. Ghorashi, Seyyed Ali Akbar, (1352 SH), "Quran Dictionary", Tehran, Islamic Library.
 24. Qutb, Sayyid Ibrahim Shazli, (1412 AH), "Fi Zelal al-Quran", Dar al-Shorouk, Beirut, Cairo.
 25. Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 AH), "Bahar Al-anvar", Beirut, Arab History Foundation, Bija.
 26. Moin, Mohammad, (1371 SH), Farhang-e Farsi, Tehran, Amirkabir.
 27. Mostafa Pour, Mohammad Reza, (1386 SH), The Realm of the Council in Islamic Resources, Treasure of Knowledge, No. 22.
 28. Mirza Mohammad, Alireza, (1389 SH), Principles, Foundations and Council from the Perspective of Imam Ali (AS), Alavi Research Journal, First Year, No. 2
 29. Bafkar Hossein (1383 sh) Tabir Circle (Special Issue of Islamic Councils) Qom Islamic Reserch Center of Radio and Television.
 30. Yavari Rad, Alireza, (1385 SH), The Evolution of the Concept of Council in the Political Thought of Journalists in the First Seven Centuries AH, Islamic Azad University, Research Sciences Branch.